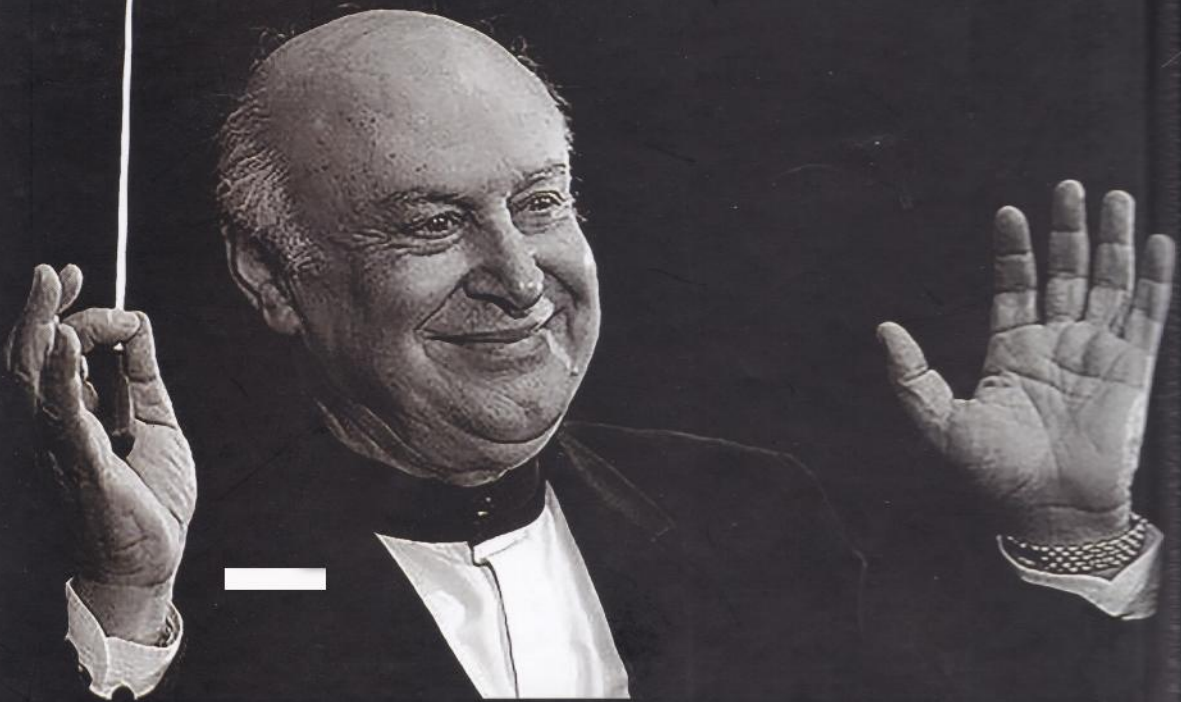


# وزن در موسیقی ایرانی

فرهاد فخرالدینی





انتشارات معین

روبه‌روی دانشگاه تهران، فخر رازی، فاطمی داریان، پلاک ۳

[www.moin-publisher.com](http://www.moin-publisher.com)

E-mail: [info@moin-publisher.com](mailto:info@moin-publisher.com)



@moinpublisher



@moinpublisher

فخرالدینی، فرهاد

**وزن در سوتی ایران**

چاپ اول: ۱۴۰۲

شمارگان: ۱۰۲۰ نسخه

ناظر چاپ: علی اکبر قربانی

نت‌نویسی: علیرضا راد

صفحه‌آرایی: مسعود فیروزخانی

خط جلد: بیژن بیژنی

طرح جلد: ترنم حسن‌پور

نمونه‌خوان: محمد صالحی

لیتوگرافی: کهربا / چاپ: مهارت

این اثر تحت «قانون حمایت از حقوق مؤلفان، مصنفان و هنرمندان»

قرار دارد و تمامی حقوق آن برای مؤلف و ناشر محفوظ است.

تلفن مرکز پخش: ۶۶۴۱۴۲۳۰-۶۶۹۶۱۴۹۵

## فهرست مطالب

۱۱	پیش گفتار .....
۱۳	جدول تطبیق حروف لاتین با حروف فارسی .....

### بخش یکم

۱۷	تعریف ریتم .....
۲۰	وزن و ریتم (ایقاع) در موسیقی قدیم ایران .....
۲۳	دوره‌های ایقاعی بوعلی سینا .....
۲۷	ارکان سه‌گانه .....
۲۹	ترکیب دوتایی و سه‌تایی از ارکان سه‌گانه در کتاب شرح ادوار صفی‌الدین (میزان‌های دوضربی و سه‌ضربی) .....
۳۱	وزن‌های مهم در موسیقی قدیم ایران .....
۳۱	دایره‌های دوره‌های ایقاعی .....
۴۵	چند نمونه از نغمه‌پردازی‌های صفی‌الدین با دوره‌های ایقاعی .....
۵۰	ترکیب دوره‌های ایقاعی .....
۵۱	وزن‌های رساله بهجت‌الروح .....

### بخش دوم

۵۹	وزن شعر در موسیقی باکلام .....
۶۲	ارکان اصلی وزن‌های عروضی .....
۶۹	وزن در اشعار مولانا .....
۸۷	گسترش شعر با تکرار و تقلید کلمه‌ها در اشعار مولانا .....
۹۰	چند نظر از «علی دشتی» و «جلال‌الدین همایی» درباره مولانا .....

۹۵	..... نقش شعرای دیگر در موسیقی ایران
۹۷	..... وزن‌های استاد سخن سعدی
۱۱۱	..... وزن‌های دیوان خواجه حافظ شیرازی
۱۲۴	..... قابلیت تغییر و گسترش وزن‌های عروضی در موسیقی ایران
۱۳۴	..... نت‌نگاری وزن‌های عروضی براساس معیارها و اصول موسیقی

### بخش سوم

۱۴۲	..... وزن و ریتم در موسیقی کنونی ایران
۱۴۵	..... الف: فیگورها یا الگوهای باکلام
۱۴۶	..... الگوهای موزون با متر معین و آزاد در ردیف موسیقی ایران
۱۴۶	..... کرشمه
۱۴۷	..... چهار باغ یا چهار پاره
۱۴۶	..... طرز
۱۴۹	..... لیلی و مجنون
۱۵۰	..... وزن‌های خاص در ردیف موسیقی ایران
۱۵۰	..... بحر هزج مسدس مقصور
۱۵۱	..... بحر مُجْتَثْ مُثَمَّنْ مَجْنُونْ ابتر
۱۵۱	..... بحر مُثَمَّنْ سالم
۱۵۱	..... بحر متقارب متقارب مُثَمَّنْ محذوف مقصور
۱۵۱	..... بحر رمل مسدس محذوف مقصور
۱۵۳	..... ب: فیگورها و الگوهای موزون بدون شعر
۱۵۴	..... گریلی
۱۵۵	..... زنگوله
۱۵۶	..... پیش‌زنگوله
۱۵۷	..... حزین
۱۵۷	..... بسته‌نگار
۱۵۹	..... مجلس افروز
۱۵۹	..... خوارزمی
۱۵۹	..... حربی
۱۶۰	..... زنگ شتر
۱۶۰	..... نستاری یا نستوری
۱۶۱	..... حاشیه

۱۶۱	متن
۱۶۱	هشتری
۱۶۱	پیش درآمدها
۱۶۵	چهار مضراب‌ها
۱۷۶	رنگ‌ها
۱۷۹	آهنگسازی در موسیقی قدیم ایران
۱۹۳	وزن در تصنیف‌های شیدا
۱۹۹	وزن در تصنیف‌های عارف
۲۰۲	وزن تصنیف بهار دلکش از درویش خان
۲۰۴	یادی از ترانه و تصنیف‌سازان دیگر
۲۰۵	نقش تمبک در همراهی قطعات موزون

#### بخش چهارم

۲۱۷	وزن در آهنگ‌های محلی ایران
۲۳۲	ترانه‌ها و نغمه‌های محلی آذربایجان
۲۴۳	ترانه‌های محلی خراسان
۲۵۴	فرم آهنگ‌های محلی
۲۵۴	موسیقی لرستان
۲۶۳	موسیقی بختیاری
۲۶۵	اهمیت وزن در آهنگ‌های محلی
۲۶۶	موسیقی عامیانه الهام‌بخش آهنگسازان
۲۷۱	آهنگ‌های سوگواری
۲۷۴	چند نظر درباره ترانه و تصنیف
۲۸۰	نمونه‌ای از آهنگ‌های سرگرم‌کننده
۲۸۴	موسیقی بلوچستان

#### بخش پنجم

۳۰۳	وزن در موسیقی زورخانه
۳۱۱	منابع و مأخذ

## جدول تطبیق حروف لاتین با حروف فارسی

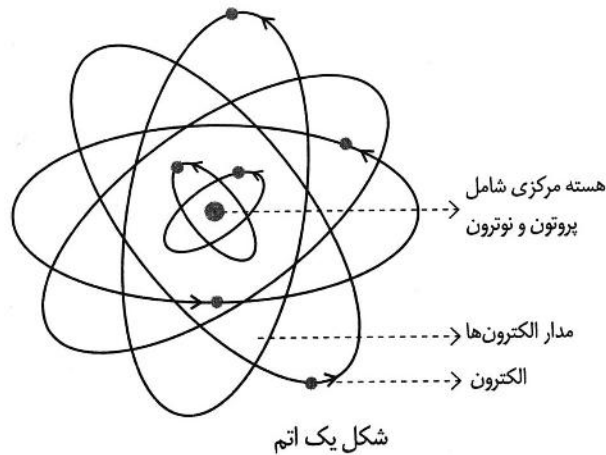
حروف	مثال‌ها										
ā	آ، عا	āb	آب	bād	باد	doā	دعا	rahā	رها		
a	آ، آء	abad	اید	degar	دگر	āngah	آنگه	amal	عمل		
b	ب	bād	باد	yād	یاد	šarāb	شراب	golbāng	گلبانگ		
c	ج	cerā	چرا	cenān	چنان	hamco	همچو				
d	د	del	دل	adab	ادب	zadam	زدم	faryād	فریاد		
e	ه، ع	er'āb	ارعاب	kenār	کنار	bekoye	به کوی				
f	ف	forib	فریب	rafiq	رفیق	šarif	شریف	raft	رفت		
g	گ	garm	گرم	agar	اگر	našgoft	نشگفت				
h	ح، ه	hekāyat	حکایت	hami	همی	zāhed	زاهد				
i	ای، عی، ئی	in vafāi	این وفائی	zibā (vafayi)	زیبا (وفایی)	fāni robāi	فانی رباعی	qanimat	غنیمت		
j	ج	jamāl	جمال	ajab	عجب	xarāj	خراج				
k	ک	kār	کار	akbar	اکبر	ašk	اشک	kamin	کمین		
l	ل	lab	لب	la'l	لعل	zolm	ظلم	hāsel	حاصل		
m	م	man	من	āmad	آمد	motreb	مطرب	begeryam	بگریم		
n	ن	nām	نام	ān	آن	zabān	زبان	aknun	اکنون		
o	ا	omid	امید	borun	برون	to	تو	con	چون		
ow	او	owj	اوج	mowj	موج	gowhar	گوهر	mow	مو		
p	پ	por	پر	šāhpar	شاهپر	penhān	پنهان				
q	غ، ق	qam	غم	qāfel	غافل	qamar	قمر	ešrāq	اشراق	farāq	فراق
r	ر	rāz	راز	dar	در	sarā	سرا	asrār	اسرار	marā	مرا
s	ث، س، ص	sāqi	ساقی	hadis	حدیث	sohbat	صحبت	sabuh	صبح		
š(š)	ش	šab	شب	afšan	افشان	xoš	خوش	mesālaš	مثالش		
t	ت: ط	to	تو	ātaš	آتش	hayāt	حیات	tabib	طیب		
u	او (کوتاه)	ustā	اوستا	rustā	روستا	digargun	دیگرگون	ud	عود		
ū	او (کشیده)	cūb	چوب	dūd	دود	kūzeh	کوزه	kūrowš	کوروش		
v	و	vatan	وطن	šsvad	شود	javān	جوان	gerove	گرُو		
x	خ	xabar	خبر	naxāhad	نخواهد	xiyāl	خیال	xoš	خوش		
y	ی	yād	یاد	siyah	سیه	rūy	روی	besyār	بسیار		
z	ذ، ز، ض، ظ	zahn	ذهن	zamin	زمین	rāzi	راضی	māzi	ماضی		
		zālem	ظالم	mazhar	مظهر	nāzok	نازک				
ž	ژ	žāle	ژاله	dežam	دژم	nažand	نژند				
	ء، ع ساکن (مثل همزه) آخرو ع ساکن وسط (آخر) و آخر	ebtela'	ابتلاء	samā'	سماع	ma'ni	معنی	ta'zir	تعزیر		
		tolu'	طلوع	ta'bir	تعبیر	ma'ni	معنی	qo're	قعر		

توضیح: این جدول با بهره‌گیری از تطبیق حروف لاتین با حروف فارسی در فرهنگ فارسی دکتر محمد معین همراه با کمی تغییر و تلخیص، برای آوانگاری هجاهای کلمات اشعار فارسی در موسیقی آوازی ایران تهیه و تنظیم شده است.

## تعریف ریتم<sup>۱</sup>

ریتم یکی از اساسی‌ترین عوامل تشکیل‌دهنده موسیقی است. باید دانست که ریتم از عوامل اساسی طبیعت و وجود آدمی است. جزر و مد دریا و رفت و برگشت فصول چهارگانه و شبانه‌روز، تپش قلب و ضربان نبض، حرکات دم و بازدم دستگاه تنفس، گردش خون در رگ‌ها و... وجود ریتم را در طبیعت تایید می‌کند.

هر چیزی که در طبیعت وجود دارد، دارای ریتم و حرکت است، حتی اجسامی که به نظر ساکن می‌آیند. اگر کوچکترین ذره هر جسم ساده را که اتم نامیده می‌شود، مورد مطالعه قرار دهیم، مشاهده می‌کنیم که هر اتم از یک هسته مرکزی (که خود شامل پروتون و نوترون است) و الکترون تشکیل شده است. الکترون‌ها به تعداد نوترون‌ها بوده و در اطراف هسته در مدارهایی در حال گردش هستند. سرعت آن‌ها در مدارهای مختلف با همدیگر متفاوت است، یعنی در مدارهای مختلف الکترون‌ها با فرکانس‌های مختلفی در حال چرخش‌اند، یعنی دارای ریتم هستند.



دانشمندان، فلاسفه و موسیقی‌دانان تعاریف مختلفی دربارهٔ ریتم یا وزن کرده‌اند. به عقیده افلاطون «وزن انتظام جنبش و حرکت است.» و به عقیده اریستوکسن «ریتم عبارت است از نظم در کشش و گذشت زمان.»

ژان ژاک روسو نویسنده و فیلسوف فرانسوی ریتم را چنین تعریف می‌کند: «ریتم عبارت است از اختلاف حرکت که سرعت یا کندی و درازی یا کوتاهی زمان را به وجود می‌آورد.»

ونسان وندی موسیقی‌دان فرانسوی می‌گوید: «ریتم عبارت است از نظم و تناسب در زمان و مکان»<sup>۱</sup>. مالرب شاعر معروف فرانسوی که ریتم را جوهر و اساس موسیقی می‌داند، می‌گوید: «وظیفهٔ ریتم عبارت است از تقسیم صدا و سکوت بر حسب اقتضای حرکت مکانی ملودی.» دکارت فیلسوف فرانسوی نیز عقیده دارد که: «... توالی صداها بدون ریتم یک نوع هرج و مرج و ناهنجاری است، تحت تأثیر ریتم همه چیز منظم و مرتب می‌شود.»

وزن و ریتم معنی مترادفی دارند. در فرهنگ دکتر معین وزن چنین تعریف شده است: «توالی ضربات آهنگ که برای موزون کردن نوای موسیقی به کار رود، ریتم (Rythme) در فرهنگ انگلیسی به فارسی آریان‌پور، هم ریتم به معنی وزن است.

در فرهنگ فارسی و انگلیسی س. حییم هم وزن به معنی ریتم است. و به تعریف دیگر: «جریان و گذرانِ با نظم و ترتیب تکرارها یا دورهای معین و مشخص کشش‌ها یا زمان‌های نت‌ها یا نغمات موسیقی را «ریتم یا وزن» می‌گوییم و این تکرارها یا دورها با تأکیدها یا آکسان‌های این زمان‌ها حاصل می‌شود.

ابونصر فارابی در کتاب موسیقی کبیر وزن را چنین تعریف کرده است:

«چون نقل از نغمه‌ای [نُتی] به نغمهٔ دیگر زمانی طول می‌کشد، پس در اجرای ردیفی از نغمه‌ها، انتقال‌های پیاپی زمان‌هایی را می‌گذرانند. نغمه‌های این ردیف که انتقال‌های پی در پی بر آن‌ها جریان می‌یابد، تشکیل آهنگ نمی‌دهند مگر آن که زمان‌های انتقال در آن‌ها به مقادیر معین باشند. نه خیلی کوتاه و نه خیلی بلند و اگر نسبت‌های بین آن‌ها محدود نباشد، گوش انسان آن ردیف را آهنگ ساخته شده نمی‌شناسد. بنابراین برای آن که ردیفی از نغمه‌ها آهنگی در گوش تصویر کند، لازم است که اولاً فاصله‌های زمانی انتقال در آن‌ها معین و ثانیاً نسبت‌های بین آن‌ها مشخص باشند. انتقالی را که دارای این ویژگی باشد، وزن نامند. پس وزن، انتقال نغمه‌هاست در فاصله‌های زمانی معین و به نسبت‌های مشخص.»<sup>۲</sup>

**توضیح:** کلام و موسیقی از قدیم به دو شکل متریک و غیرمتریک متداول بوده‌اند و در ادبیات با عنوان نظم و نثر و در موسیقی با عنوان نظم‌النغمات (نغمه‌های موزون یا متریک) و نثرالنغمات (نغمه‌های غیرموزون یا غیرمتریک) به کار می‌رفته‌اند. در موسیقی متریک یا نظم‌النغمات، ضرب‌ها با متر یا زمان معین جریان می‌یابند و زمان نت‌ها یا نغمه‌های آن با هم متناسب هستند. ولی در

۱. یعنی ریتم عنصر اولیهٔ تمام هنرهاست و زیبایی خطوط، اشکال، رنگ‌ها و حرکات را به وجود می‌آورد.  
۲. نقل از کتاب موسیقی کبیر فارابی ترجمه و شرح به فارسی دکتر مهدی برکشلی، ص ۲۱۲، انتشارات سروش.



بخش یکم: تعریف ریتم ۱۹

موسیقی غیرمتریک یا نثرالنگمات، زمان‌تها با نغمه‌ها در اختیار تکنواز یا خواننده است، این زمان‌ها مانند هجاهای یک مصرع از یک شعر یا یک فراز از زمان‌های یک موسیقی متریک بوده و دارای دوره‌های ریتمیک هستند و به همین جهت در موسیقی قدیم ایران و عرب از آن‌ها با عنوان «ادوار ایقاعی» یاد شده است. در مباحث بعدی باز هم در این مورد صحبت خواهد شد.

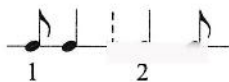
### اشاره‌ای به سابقه تاریخی وزن

می‌دانیم که سازهای کوبه‌ای یا ضربی با کوبش یا زدن ضربه به صدا درمی‌آیند و به همین دلیل این سازها، آلات ضربی یا کوبه‌ای نام گرفته‌اند. انسان‌های اولیه با کوبیدن جسمی به جسم دیگر با ضرب یا کوبه که نقش مهمی در ایجاد وزن دارند، آشنا بوده‌اند و خیلی زود متوجه دوره‌های دوضربی که حاصل یک ضرب قوی و یک ضرب ضعیف است، می‌شوند. برای مثال در کارگاه‌های اولیه آهنگری، آهن گداخته با کوبش قوی چکش یا پتک استاد و کوبش ضربه‌های ضعیف شاگرد نوجوان یک میزان یا یک دور ریتمیک دوضربی را به وجود می‌آورد. ضرب‌های این دور دوضربی به تدریج به دو قسمت مساوی تقسیم می‌شوند و بعدها با تقسیمات سه تایی و چهار تایی به کار می‌روند. تقسیمات سه تایی ضرب‌ها هم پایه و اساس میزان‌های سه ضربی را به وجود می‌آورد، بدین ترتیب میزان‌های دو ضربی، سه ضربی و چهار ضربی (که خود شامل دو میزان دوضربی است)، به شکل‌های ساده و ترکیبی به عنوان الگوها یا قالب‌های اصلی موسیقی مورد استفاده قرار می‌گیرند و بعدها میزان‌های لنگ و مختلط با تزئینات و تقسیمات متنوع و پیچیده هم به آن‌ها اضافه می‌شود. بدیهی است شعر و موسیقی از قدیم ریشه مشترکی در «وزن» داشته و در کنار هم به سیر تکاملی خود ادامه داده‌اند، این وزن‌ها در شعر با الفاظ و سیلاب‌های کلمات بیان می‌شوند و در موسیقی با صداها یا نغمه‌ها به صدا درمی‌آیند.

انسان از بدو آفرینش با عدد «دو» انس و الفت ذاتی دارد، چون بیشتر اعضای بدنش از دو عضو قرینه تشکیل شده‌اند، مانند چشم‌ها، گوش‌ها، دست‌ها و پاها که همگی از دو عضو قرینه هم تشکیل شده‌اند. در حقیقت کل بدن انسان از دو نیمه خلق شده که با هم قرینه هستند و طبیعی است که در موسیقی هم ضرب‌های مورد علاقه او، ضرب‌های دوتایی به صورت قرینه باشد یعنی اگر ضرب اول دو نت سیاه و چنگ باشد، ضرب دوم دو نت چنگ و سیاه خواهد بود که قرینه ضرب اول است:



و اگر ضرب اول دو نت چنگ و سیاه باشد ضرب دوم (قرینه آن) دو نت سیاه و چنگ خواهد بود:



۲۰ وزن در موسیقی ایران

بنابراین بسیار طبیعی است که میزان‌های دوضربی ترکیبی مثل ۶/۸ با طبع انسان سازگاری بیشتری داشته باشد، جالب است که هر ضرب میزان ۶/۸، هم علاوه بر تقسیمات مساوی سه تایی دارای تقسیمات نامساوی هم می‌باشد و این تقسیمات مانند مثال زیر در دوره‌های ریتمیک شعر موسیقی ایرانی به فراوانی به اشکال مختلف یافت می‌شوند:



### وزن (ایقاع)<sup>۱</sup> در موسیقی قدیم ایران

وزن تکرار «زمان»‌های محدود و معین‌نت‌ها یا نغمه‌هاست که با هم متناسبند، در گردش یا تکرار این زمان‌ها، اکسان<sup>۲</sup>‌ها یا تأکیدها نقش مهمی در شکل‌گیری دوره‌های ریتمیک دارند و به همین جهت است که قدما وزن‌ها را «ادوار» یا دوره‌های ایقاعی نام نهاده‌اند. به طوری که قبلاً گفته شد، ابونصر فارابی وزن را چنین تعریف کرده است: «... وزن، انتقال نغمه‌هاست در فاصله‌های زمانی معین و به نسبت‌های مشخص»<sup>۳</sup>.

فارابی درباره «واحد زمان» چنین ادامه می‌دهد: «... برای اندازه‌گیری زمان‌های وزنی نیز باید واحد زمان معینی انتخاب کرد و آن حداقل زمانی است که بین دو نغمه می‌توان فرض کرد، چنان که بین آن دو نتوان نغمه دیگری برای تقسیم زمان گنجانید. ... زمان‌های موجود بین نغمه‌ها هنگامی تقسیم‌پذیرند که بتوان بین آن‌ها نغمه‌ای جای داد و هنگامی تقسیم‌ناپذیرند که نتوان بین آن‌ها نغمه‌ای جایگزین کرد و در این حال زمان اقل زمان بین دو کوبه‌ای است که نتوان بین آن‌ها کوبه‌ای جای داد و آن زمان واحد است»<sup>۴</sup>.

در حقیقت این زمان کوچکترین واحد زمان در موسیقی قدیم ایران بوده و برابر با یک هجای کوتاه در کلام می‌باشد و در نت‌نویسی‌های وزن‌های قدیم موسیقی ایران، این کوچکترین واحد زمان را می‌توان معادل با یک نت دولاچنگ (♩) یا چنگ (♪) و غیره فرض کرد.

ابونصر فارابی در کتاب موسیقی کبیر در مبحث ایقاع‌ها یا وزن‌های هزج پیوسته، سرعت ضرب‌ها یا نقره‌ها و یا کوبش‌های آهنگ‌ها را با عناوین هزج تند (هزج سریع)، هزج سبک (هزج خفیف)، هزج سبک سنگین (هزج خفیف ثقیل) و هزج سنگین (هزج ثقیل) نام برده و به شرح زیر تعریف کرده است:

### وزن‌های هزج پیوسته

زمان‌هایی که بین کوبش‌ها قرار دارند، بعضی مساوی‌اند و برخی نامساوی. وقتی مساوی باشند مقدار هر یک یا برابر زمان واحد است یا مضاربی از آن.

۱. در موسیقی قدیم ایران به وزن «ایقاع» می‌گفتند.

۲. accent

۴. همان، ص ۲۱۲ - ۲۱۳.

۳. کتاب موسیقی کبیر فارابی، ترجمه دکتر مهدی برکشلی، ص ۲۱۲.

# Rhythm in Iranian Music

**Farhad Fakhreddini**



Moin Publication

